

پیشینه رضاخان قبل از کودتا

سهلعلی مددی

زمان پیش از جنگ دوم جهانی، عصر دیکتاتورهای محسوب می‌شود: هیتلر در آلمان، موسولینی در ایتالیا، فرانکو در اسپانیا، استالین در روسیه، مصطفی کمال در ترکیه و رضاخان در ایران. درباره دیکتاتورهای آلمان، ایتالیا، اسپانیا، روسیه و ترکیه، چندان کتاب و مقاله نوشته شده که تاحدی تصور تاریخی ما از آنها تثبیت شده است. اما وضع شاه ایران کاملاً با آنچه گفته شد مغایر است. از هنگامی که وی بر تخت طاووس جلوس کرده بود می‌دانست چه باید بکند تا حقایق راجع به وی به خارج درز نکند. اما پس از استعفای وی، افکار عمومی جهان، چندان معطوف به چیزهای دیگر بود که فرصت نکرد به اندازه کافی وقت صرف شناسایی این شخص بکند.^۱

۱. سفرنامه بلوشر، ترجمه کیکاووس جهاننداری، انتشارات خوارزمی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۱۵۰؛ ویبرت فون بلوشر (Wipert Von Blücher) از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۴ خورشیدی (۱۹۳۱ تا ۱۹۳۵ م) با سمت وزیر مختار آلمان، در ایران بوده است (بنگرید به: سیاست‌گزاران و رجال سیاسی در روابط خارجی ایران، وزارت امور خارجه، دفتر آموزش و ارزشیابی، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۵۳). وی یادداشتهای ایام مأموریتش را در ایران، با عنوان گردش روزگار در ایران (Zeitenwende in Iran) در سال ۱۹۴۹ در آلمان انتشار داد، این کتاب با نام سفرنامه بلوشر به فارسی ترجمه شده است. بلوشر درباره نخستین روز ورود خود به ایران و ملاقات با رضاخان، چنین آورده است: «دروست روز پیش از ورود من به ایران «جریده مصور مونیخ» (Muenchener Illustrierte Presse) مقاله‌ای جنجالی با عکسهای فراوان تحت عنوان «شاه بی‌اصل و نسب» منتشر کرده بود. نویسنده آن شخصی بود به نام لئو ماتیاس (Leo Mathias) و شاه بی‌اصل و نسب هم هیچ کس دیگری نبود جز رضاشاه پهلوی. در این مقاله ادعا شده بود پدر شاه آدمی است ناشناس و مادرش زنی است رختشوی و شاه به زنش دستور می‌دهد چکمه‌هایش را از پایش بیرون بیاورد. دیگر آنکه در سالهایی که افسر جزء بوده و موقتاً فرماندهی نگهبانان جلوسفارت آلمان را به عهده داشته از سفیر وقت آلمان کنت کوادت (Graf. Quadt) سلی خورده است.» (سفرنامه بلوشر، ص ۱۶۵)؛ بلوشر همچنین درباره حضور رضاخان در سفارتخانه آلمان پیش از کودتا، می‌نویسد: «اولین بار که رضا در سال ۱۹۲۱ با بریگاد قزاق خود به تهران نفوذ کرد و مقامهای فرمانده کل قوا و وزیر جنگ را به عهده گرفت، مردم و افکار عمومی با نام او آشنا شدند. وی مردی بود از اهالی شمال، بلند و قوی هیکل و از خانواده‌ای ساده و فرودست که در سالهای قبل از جنگ

آنچه در تأیید سخن بلوشر می‌توانیم بگوییم این است که اکنون نیز، با گذشت هشتاد سال از وقوع کودتای ۱۲۹۹، هنوز پیشینه رضاخان چه قبل و چه بعد از کودتا، آن‌گونه که باید، مورد پژوهش منسجمی واقع نگردیده. و اندک مطالبی نیز که به‌طور پراکنده انتشار یافته است، بیشتر بر پایه اطلاعات شفاهی و خاطرات معمران آن روزگار نقل شده و ظاهراً دسترسی به اسناد قطعی در این خصوص، کمتر امکان‌پذیر گردیده است.

نگارنده در طی دهه گذشته، این توفیق را یافت تا به ۲ سند تصویری و نوشتاری، دست یابد: اولی مطلبی است از سفرنامه سیاحی هلندی به نام «موریس واخن فورت» (Maurits Wagenvoort) از نمایندگان پارلمان هلند - که در سال ۱۲۸۵-۶ ه.ش، در آخرین سالهای پادشاهی مظفرالدین شاه قاجار، به ایران آمده است. وی در این سفر، دیداری با رضاخان داشته، آن هم در مجلس حاجی آخوند ابادی از رؤسای بایه تهران و از مستحفظان جسد باب. در آن ایام که این ملاقات انجام پذیرفته، رضاخان از طرف قزاقخانه، به مهتری اسبان سفارتخانه هلند مأمور بوده است و سیاح هلندی نتایج گفتگوی خود را با رضاخان، در صفحه ۸۴ سفرنامه خود گزارش کرده است. عنوان هلندی کتاب مزبور چنین است: "Karavaanreis door zuid-Perzië Santopoot" که به فارسی مسافرت با کاروان به جنوب ایران معنا می‌دهد. سند یادشده را ویلم فلور (W. Floor) ایرانشناس معاصر هلندی و مؤلف کتاب اولین سفرای ایران و هلند در ۵ سپتامبر ۱۹۸۰م، برای دوست خود دکتر حسین ابوتراییان فرستاده است و نامبرده نیز آن را برای چاپ، در دسترس این نگارنده قرار داده است. ویلم فلور در نامه خود به

→ جهانی اول به عنوان سربازی ساده وارد بریگاد قزاق شد. در دوره‌ای که افسری جزء بود فرماندهی محافظان سفارت آلمان را به عهده داشت و در اثر هیکل درشت و پرازنده خود نظر همه مراجعان و مهمانان سفارت را به خود جلب می‌کرد، بدون اینکه احدی از آن میان به این فکر افتاده باشد که در برابر شاه آینده مملکت قرار گرفته است. بعد به سرعت به درجه سرهنگی رسید و در حین جنگ چندان از خود احتیاط و محافظه‌کاری نشان داد که هیچ‌کس نتوانست بفهمد او به کدام یک از طرفین وارد در جنگ دلبستگی دارد. پس از پایان جنگ بیشتر پا به صحنه گذاشت و به این شهرت رسید که پرانرژی‌ترین و خشن‌ترین افسران ایران است.» (همان، ص ۱۴۹)؛ وی در بخشی دیگر از خاطراتش، اشارتی دیگر به حضور رضاخان در سفارتخانه آلمان، پیش از کودتا می‌کند: «در اولین سالهای پس از نشستن شاه بر تخت سلطنت وی به میزانی محدود در زندگی اجتماعی شرکت می‌کرد. بدین ترتیب مثلاً وی هنگامی که کنت شولنبورگ [Grat von der Schulenburg] سفارت آلمان را در ایران به عهده داشت یک بار در ضیافت سفارت شرکت جست. در آن هنگام هم، کاظم به عنوان پیشکار و سرپرست خدمه مشغول خدمت بود. وقتی که مهمان جلیل‌القدر در بالای میز جای گرفت، برای یک لحظه افکار کاظم متوجه سی سال پیش شد و خود را در نظر آورد که دارد برای درجه‌داری به نام رضا که فرماندهی نگهبانان و محافظین را به عهده دارد از پس مانده سفره غذا چیزی به محل نگهبانی می‌برد. او - یعنی کاظم - هنوز پیشکار بود اما رضای درجه‌دار در این فاصله به شاه بدل شده بود.» (همان، ص ۲۰۲).



رضاخان سردار سپه نخست وزیر با شغل نظامی [۱۸۰۴-۱]

ابوترابی‌ان همچنین متذکر گردیده است که سند دیگری نیز در آرشیو وزارت خارجه هلند، موجود است که محتوای آن سند گزارشی است از وزیرمختار هلند در ایران به وزارت خارجه کشور متبوع خود پس از وقوع کودتای ۳ حوت ۱۲۹۹، قریب بدین مضمون: «فرمانده قزاقان کودتاکننده، یعنی رضاخان، همان قزاقی است که سالها قبل، محافظ سفارتخانه ما در تهران بوده است.»

در سال گذشته، که «سمینار بین‌المللی نهضت مشروطیت ایران» به همت مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، در مرداد ماه در تهران و تبریز، برگزار گردید، نگارنده درباره این سند از ویلم فلور - که از مدعوین سمینار مزبور بود، پرسش کرد. ایشان ضمن تأیید این مطلب افزودند که در سفر آینده خود به هلند کوشش خواهند کرد تا کپی سند یادشده را، از آرشیو وزارت خارجه کشورش گرفته، به این جانب برسانند تا آن را نیز به طبع رسانم.

و اما دومین سندی که دسترسی به آن امکان پذیر گردید، در واقع عکسی است از رضاخان به همراه وزیر مقیم هلند. این عکس، در همان روزگار پایانی مظفری، در سال ۱۲۸۲ ه.ش، و در محوطه سفارتخانه هلند در تهران گرفته شده است. رضاخان، به طوری که پیشتر گفته شد، در آن زمان مهتر سفارتخانه مزبور بوده، و در این عکس به عنوان «مقیاس» در زمینه عکس قرار گرفته است. موضوع اصلی در این عکس «اسب» می باشد. و عکس مزبور را وزیر مقیم هلند، به نام «اف.ام. کِنِبِل» (F.M. Knobel) به دوست خود «غلامحسین خان صاحب اختیار» که در آن روزگار «وزارت عدلیه» مظفرالدین شاه را برعهده داشته، به یادگار داده است.^۲ عکاس این عکس، «آنتوان سوریوگین» (Antoine Sevruguin)، معروف ترین عکاس عصر قاجار می باشد و پشت نویس عکس هم که در آن به موضوع دریافت عکس از وزیر مقیم هلند و همچنین به نام رضاخان تصریح دارد، به قلم صاحب اختیار است.^۳

پایان بخش سخن، مطلبی است به قلم فریدون هویدا، نماینده دائمی ایران در سازمان ملل متحد و برادر امیرعباس هویدا؛ وی در کتاب خاطراتش با عنوان «سقوط شاه» با اشاره به پیشینه رضاخان و روشن نبودن ریشه خانوادگی محمدرضا پهلوی، چنین آورده است: «رضاخان نسبش به هیچ یک از پادشاهان ایران نمی رسید، تا جایی که حتی گفته شده رضاخان در اوایل شغل مهتری هم داشته است. و به این ترتیب خیلی طبیعی بود که شاه همواره رؤیای داشتن اصل و نسب با عظمت در ذهن خود پیروید و حتی قبل از اینکه به فکر اتصال خود به کوروش بیافند، خانواده خود را جزء طایفه «باوند» که از طوایف ریشه دار و کهن مازندران محسوب می شود - قلمداد کند و بگوید که پدر بزرگ و جدش نیز از افسران «ارتش قدیم ایران» بوده اند. ولی حقیقت این است که شاه هیچ گاه سعی نمی کرد ابهام موجود در اصل و نسب خانوادگی خود را روشن کند و به خصوص درباره زندگی پدرش قبل از پیوستن او به بریگارد قزاق سخنی بگوید.»^۴

۲. مدت زمان حضور (Knobel)، وزیر مقیم هلند در ایران، از ۱۲۸۲ تا ۱۲۸۷ شمسی، (۱۹۰۳-۸۰م)، ضبط شده است؛ رک: سیاست‌گزاران و رجال سیاسی در روابط خارجی ایران، ص ۲۴۶.

۳. گوینده، در سال ۱۳۶۹ ه.ش، به راهنمایی شادروان محمدرضا آشتیانی زاده - از نوادگان مرحوم حاج میرزا حسن آشتیانی مجتهد معروف عصر ناصری - این عکس را در نزد برخی از بستگان صاحب اختیار (آقای مهندس رضا غفاری نواده فرخ خان غفاری) یافتیم و برای نخستین بار، آن را در مقاله «دیدنی ترین عکس رضاخان» (رک: تاریخ معاصر ایران، کتاب دوم، مجموعه مقالات، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، چاپ نخست، بهار ۱۳۶۹، فصل سوم، اسناد، صص ۲۹۲-۲۸۳)، به چاپ رساندم.

۴. سقوط شاه، فریدون هویدا، ترجمه ح.ا. مهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۲۲-۱۲۱.